

## حشمت خان در آفساید



سریال «سه، پنج، دو» یک سریال کمدی است که با محور قرار دادن برخی از مسائل اجتماعی سعی دارد آنها را نقد کند. سه، پنج، دو برای این نقد سراغ 2 موضوع رفته است؛ پولدار شدن یک شبه برخی از افراد و نقد روابط آشکار و پنهانی که در فوتبال در جریان است.

جام جم آنلاین: سریال #171؛ سه، پنج، دو» یک سریال کمدی است که با محور قرار دادن برخی از مسائل اجتماعی سعی دارد آنها را نقد کند. سه، پنج، دو برای این نقد سراغ 2 موضوع رفته است؛ پولدار شدن یک شبه برخی از افراد و نقد روابط آشکار و پنهانی که در فوتبال در جریان است.

اما آیا این دو موضوع ربطی به یکدیگر دارند که در سریال سه، پنج، دو در عرض هم قرار گرفته‌اند و در کنار هم به چالش کشیده شده‌اند؟ آیا این چالش نشان‌دهنده این نکته است که ثروتمند شدن و فوتبال بی‌ضابطه هستند و می‌توانند بر هم تأثیر بگذارند؟

سریال سه، پنج، دو در واقع همین مسائل را با زبانی کمدی و طنز پاسخ می‌دهد. حشمت‌خان، میوه‌فروش خُرده‌پا که در محله‌ای قدیمی در جنوب شهر زندگی می‌کند یک شبه صاحب ارثی میلیاردی می‌شود و از یک آدم بی‌پول به میلیاردری تبدیل می‌شود که نمی‌داند با پول خود چه کند. در این بخش از سریال، شخصیت‌ها به مخاطب شناسانده می‌شوند و تفاوت زن‌ها و مردها در رودویی با مساله مهم پولدار شدن به تصویر کشیده می‌شود. حشمت‌خان و پسرش پیام، تا به این پول هنگفت دست پیدا می‌کنند اولین نکته‌ای که به ذهنشان می‌رسد این است که این ثروت را چگونه زیاد کنند.

آنها باید بازار خوبی برای این پول ایجاد کنند تا خیلی زود سوددهی آن شروع شود. این نگاهی مثبت به ثروت است. آدم‌های موفق، وقتی پولی گیرشان می‌آید، ابتدا به این فکر می‌کنند که چگونه آن را افزایش دهند و حشمت‌خان که یک بازاری سنتی هم هست از این روش استفاده می‌کند. اما خانم‌ها در این‌گونه مواقع موضعی دیگر دارند. البته این موضعگیری بیشتر درباره خانم‌هایی است که خانه‌دار هستند و بیشترین وقت خود را در خانه و سپری کردن امور آن‌می‌گذرانند و چندان با سود و زیان‌های اقتصادی روبه‌رو نیستند. این‌گونه خانم‌ها که نماینده آنها در سه، پنج، دو، همسر حشمت‌خان است وقتی پولدار می‌شوند اولین کاری که می‌کنند این است که ظاهر قضایا را تغییر دهند؛ محله سکونت، اتومبیل، لوازم خانه و... تا در پس این تغییرات شکل آدم‌های پولدار را پیدا کنند. آنها منطقه سکونت و ظاهر زندگی را عوض می‌کنند اما چون شخصیت آنها تغییر نمی‌کند مرام‌های همیشگی زندگی را از جنوب شهر به بالای شهر می‌آورند؛ حشمت‌خان هنوز هم وقتی افراد خانواده‌اش روی حرف او حرف می‌زنند با کمر بند به جان آنها می‌افتد و حتی تا کوچ و برزن هم با همین کمر بند دنبال آنها می‌دود. او خیلی پولدار شده اما هنوز هم ماشین خود را دم در حیاط با شیلنگ و دستمال می‌شوید چون هنوز مثلا یاد نگرفته که ماشینش را کارواش ببرد.

همه اینها نشان می‌دهد که نویسنده و کارگردان سه، پنج، دو، آدم‌های داستان خود را می‌شناسند و می‌دانند که چگونه باید آدم‌های به اصطلاح تازه به دوران رسیده را زیر ذره‌بین بگذارند و نشان دهند که دوره این‌گونه آدم‌ها هیچوقت به پایان نمی‌رسد. این آدم‌ها همیشه هستند و همیشه هم به دلیل پول زیادی که دارند، می‌توانند اتفاقات اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دهند. آنها پول دارند اما شعور ندارند و مشکل اصلی از همین‌جا آغاز می‌شود.

فوتبال، اقتصاد است نه ورزش!

حشمت‌خان، می‌خواهد با 30 میلیارد پول خود به سود زیادی دست پیدا کند. باید این پول را در بازار به چرخش دربیآورد تا بتواند آن را به سود برساند. اما کدام بازار زودتر و بیشتر می‌تواند به او سود بدهد؟ یک مشاور به او بازار فوتبال را پیشنهاد می‌دهد و می‌گوید: اقتصاد دنیا در دست فوتبال است! حشمت‌خان هم قبول می‌کند. این در حالی است که او اصلا سواد فوتبال ندارد و حتی از ساده‌ترین واژه‌ها و تکنیک‌های فوتبال هم سرد نمی‌آورد. از اینجا به بعد، سریال سه، پنج، دو، 2 آسیب اجتماعی را به موازات هم به نقد می‌کشد؛ آدم‌های تازه به دوران رسیده و آسیبی که همین آدم‌ها به اقتصاد وارد می‌کنند. در اینجا فوتبال به عنوان یکی از ارکان اقتصاد معرفی می‌شود که طیف وسیعی را در برمی‌گیرد؛ طیفی که هم خود را فوتبالیست می‌دانند و هم طرفدار فوتبال. در این‌جا فوتبال به عنوان اقتصادی معرفی می‌شود که فراگیری زیادی دارد اما گلوگاه‌های آن در دست کسانی است که اقتصاد را پولداری و نقدینگی تعریف می‌کنند و تلاش می‌کنند میزان نقدینگی خود را در قالب سود افزایش دهند. سه، پنج، دو نشان می‌دهد که اقتصاد در دست متخصصان نیست و برای اقتصاد کسانی برنامه‌ریزی می‌کنند که تا دیروز در دکان کوچک خود ارزاق کوچک می‌فروخته‌اند. در سه، پنج، دو فوتبال قطب اقتصاد دنیا معرفی می‌شود اما در همین سریال هم گفته می‌شود که این قطب در کشور ما در دست بازیکنان و مربیانی است که با هوچیگری به شهرت رسیده‌اند و گرنه کاربلد نیستند.

رستمي، بازيکني است که از شهرت لذت مي برد اما بازيکن نيست و تکنیک بلد نيست. او چنان نفوذی در رسانه ها و روزنامه ها دارد که از او قهرمان مي سازند. همين اتفاق براي حشمت خان هم رخ مي دهد. او از فوتبال هيچ نمي داند اما روزنامه اي دارد که از او به عنوان ناجي فوتبال ياد مي کند. در اصل سريال سه، پنج، دو روزنامه ها و رسانه ها را نيز به نقد مي کشد و اين باور را در ذهن مخاطب محکم مي کند که به روزنامه ها و اطلاعاتي که آنها مي دهند هم نبايد زياد اطمینان کرد. روزنامه هاي فوتبال محور - در اين سريال فوتبال يعني اقتصاد - را تعدادي دلال و مزدبگیر اداره مي کنند که نماينده آنها شخصيتي به نام دربندی (رضا رويگري) است.

نیشتر زدن با تیغ طنز

سال گذشته، حسن فتحي، سريال #171؛ در مسير زاینده رود» را با موضوع فوتبال و حواشي آن مقابل دوربين برد. فتحي به سبک و سياق خود آسیب هايي را به نمايش گذاشت که فوتبال را تهديد مي کرد که يکي از مهم ترين آنها بحث دلالي بود. البته بد اخلاقي هايي هم که در فوتبال وجود دارد اين ورزش را به حاشيه کشانده است. فتحي در مسير زاینده رود بيشتر به روابط بين آدم ها تکیه داشت و با گذاشتن يك کشتي کار با اخلاق که به نسل گذشته تعلق داشت در کنار يك فوتبالیست جوان که خودخواهي زندگي اش را تباه کرده بود، نشان داد که اصل هر پيشرفتي در اخلاق گرايي و جوانمردی نهفته است.

نکته: در سريال #171؛ سه، پنج، دو» نقش حشمت خان را فرهاد آئيش بازي مي کند. بازيگري که شيوه خود را در بازيگري دارد اما در سريال سه، پنج، دو همه سبک و سياق هاي گذشته خود را شکسته است اما حسين سپهلي زاده در سريال سه، پنج، دو که در ظاهر، ماجراهاي آن نشاءت گرفته از فوتبال است، قالب طنز را انتخاب کرده است. در طنز مي شود، نیشتر را بيشتر به عمق زد و برخي از رودربايستي هايي که از ملزمات درام است را نادیده گرفت. در سه، پنج، دو چهره اي واقعي تر از پشت صحنه و اصل صحنه فوتبال و آدم هايي که در آن تاثيرگذار هستند به نمايش گذاشته مي شود و کارگردان اصلا ابايي ندارد که نشان دهد اگر تعدادي تماشاچي نما مقابل باشگاه فوتبال جمع مي شوند و شعارهايي در ضد اين باشگاه مي دهند، وانت سانديس هم کناري ايستاده و آنها را تغذيه مي کند! همين کمدي اين مجال را به نويسنده و کارگردان داده تا همسر حشمت خان را کالبد شکافي کند و نشان دهد که او چگونه غرق در پول باد آورده به هرکسي که جلوي او مانعي ايجاد مي کند، مستقيم و غير مستقيم رشوه مي دهد و جالب اين جاست که آدم هايي با پست هاي کوچک اين رشوه ها را مي پذيرند اما برخي آدم ها با پست هاي بزرگ تر از اين رشوه ها تقريباً در امان مي مانند. در اصل سه، پنج، دو، فسادي را نشان مي دهد که از پايين به بالا حرکت مي کند! حشمت خان که يك فرد معمولي جامعه است بر اثر يك اتفاق - که اين اتفاق پولدار شدن اوست - قدرت پيدا مي کند و با اين قدرت تعابير و روش هاي جديدي را به جامعه اقتصادي و ورزشي وارد مي کند. اين در شرايطي است که او يك متخصص نيست، او فقط پولدار است!

کمدي، داستان محور يا بازيگر محور؟

در سريال سه، پنج، دو، نقش حشمت خان را فرهاد آئيش بازي مي کند. بازيگري که سبک و سياق خود را در بازيگري دارد اما در سريال سه، پنج، دو همه سبک و سياق هاي گذشته خود را شکسته و به همين دليل توانسته از حشمت خان شخصيتي دوست داشتني به مخاطب ارائه کند. حشمت خان در اصل يك نوع آسیب براي جامعه است. مردی تازه به دوران رسيده که ديکتاتور مسلک هم هست و کسي نبايد روي حرف او حرف بزند. او از روش هاي سنتي مديريتي استفاده مي کند و به روش خود هم ايمان دارد. او مي داند اکنون پولدار است به همين دليل هر تصميمي که بگيرد، مي تواند اجرايي کند. آئيش، حشمت خان را باورپذير بازي مي کند به همين دليل هم توانسته از او شخصيتي دوست داشتني بسازد. آئيش ويژگي هايي را به نقش حشمت خان داده که براي بيننده جذاب است؛ تعجب او معمولاً با ويژگي اي همراه است؛ ابتدا دهانش نيمه باز مي ماند و در ادامه جمله اي که شنیده و باعث شگفتي او شده را تکرار مي کند! البته در کنار اين ويژگي هايي که در شخصيت پردازي او دائمي شده است، خصوصيات ديگري هم دارد که در مواقع بخصوص نشان مي دهد. مثلاً وقتي در راه بازگشت از مراسم خان عمو است در طول مسير از آدم هاي مختلف از ثروت خان عمو مطلع مي شود، دور زدن او وسط جاده و برگشت به خانه عمو از سکانس هاي ديني سه، پنج، دو بود. يا آنجا که در رستوران، خانواده خواستگار دخترش را مي بيند و در همين جاست که تلويزيون گزارش زدو خورد او را با بازيکنان فوتبال نشان مي دهد لبخند و در ادامه خنده حشمت خان و البته بازي آئيش را نمي توان فراموش کرد. به همه اينها مي توان اضافه کرد سکانسي را که از او خواسته شد لباس و شورت ورزشي بپوشد تا براي تبليغات از او عکس گرفته شود!

از فرهاد آئيش که بگذريم در اين سريال به بازي رامين ناصر نصير هم در نقش دايي فرخ بايد اشاره کرد. جواني که طفيلي وار زندگي خود را در کنار خانواده خواهرش ادامه مي دهد. او وقتي آنها بي پول بوده اند با بي پولی آنها کنار آمده و اکنون که پولدار شده اند با پول و ثروت باد آورده آنها پُر مي دهد و احساس خوبي از اين که در يك خانه بزرگ زندگي مي کند دارد. او هميشه به سمتي مي رود که عصبانيت کم تري در آن سمت وجود دارد. او قلق حشمت خان را بهتر از همه مي شناسد و مي داند که اکنون دوره اوست و بايد همه چيز بر وفق مراد او باشد.

شهره لرستانی نقش همسر حشمت‌خان را بازی می‌کند. یکی از شخصیت‌های محوری داستان. زنی تازه‌به‌دوران‌رسیده که با پول بادآورده همه عقده‌های خود را جبران می‌کند. او فرصت‌طلب است و می‌داند که چگونه باید از پول و شهرت شوهرش استفاده کند. او زنی کاملاً عامی است که می‌تواند به جامعه آسیب هم بزند. در سه، پنج، دو نشان داده می‌شود که او از هوش خود فقط در راه رشوه دادن استفاده می‌کند و این رشوه دادن و رشوه گرفتن بزرگ‌ترین آسیب را به روند جامعه وارد کرده و می‌کند.

شهره لرستانی پیش از بازی در سریال سه، پنج، دو بازی در یک سریال کم‌دی - اجتماعی را تجربه کرده و خوب هم توانسته بود از پس نقش برآید! یک شخصیت در عین حال فرصت‌طلب اما باهوش که تلاش می‌کرد با زیرکی موقعیت خانواده خود را تغییر دهد. اما لرستانی در سه، پنج، دو زیاد دوست‌داشتنی نیست و نمی‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. نوع بازی او زیاد تفاوتی با دیگر نقش‌هایی که قبلاً بازی کرده ندارد، اما نوع گریم و حتی نوع لباسی که برای او در این سریال انتخاب کرده‌اند در بیننده مقاومتی را ایجاد می‌کند که نمی‌تواند با او ارتباط برقرار کند. البته بیشترین رابطه همسر حشمت با دخترش طراحی شده که در این روابط هم فقط بیننده با یک سری بگومگوهای تکراری روبه‌روست که به مرور او را خسته می‌کند.

هر چه نویسنده و کارگردان سریال در نمایش ارتباطات شغلی و اقتصادی در سه، پنج، دو موفق عمل کرده‌اند، اما در نمایش روابط بین خانوادگی ضعیف و تا حدودی تکراری پیش رفته‌اند که در این میان علاقه پیام، پسر حشمت‌خان به دختر دربندی از همان کلیشه‌هایی است که بیننده را خسته می‌کند.

طاهره آشیانی  
گروه رادیو و تلویزیون